



## بیانات رهبر انقلاب در دیدار شرکت کنندگان در دومین همایش بزرگداشت ابن میثم بحرانی - 25 / دی / 1385

بسم الله الرحمن الرحيم

به همه‌ی میهمانان عزیزمان خوش آمد عرض می‌کنم؛ چه آنهایی که از خارج کشور آمده‌اند و چه میهمانان ایرانی‌ای که از نقاط مختلف در اینجا اجتماع کرده‌اند. اجتماع مبارکی است و چشم ما همیشه دنبال همدلیهایی است که از این اجتماعات بایستی به وجود آید.

یک جمله درباره‌ی علامه ابن میثم بحرانی عرض بکنیم؛ این شخصیت بزرگ علمی قرن هفتم؛ هم فقیه است، هم متکلم است و مسلط به مفاهیم عالیه‌ای است که در نهج البلاغه‌ی امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) به صورت متراکم گنجانیده شده است. سالها قبل - در پیش از انقلاب - من نهج البلاغه را در بین جوانها و طلاب علوم دینی و دانشگاهیها تدریس می‌کردم؛ به شروح نهج البلاغه مراجعه می‌کردم. آن وقت به نظرم اینطور می‌رسید که در بین همه‌ی شرحهایی که بر نهج البلاغه نوشته شده است، «شرح ابن میثم» از جهت تبیین مراد امیرالمؤمنین و کلمات آن بزرگوار بهترین است. جا دارد که این شخصیت عظیم القدر علمی از طرف همه‌ی مسلمانها تجلیل شود؛ چون نهج البلاغه کتاب همه‌ی مسلمین است؛ لذا شما ملاحظه می‌کنید که از علمای شیعه و سنی در طول قرنها متمادی، افراد بزرگ و نامداری این کتاب را شرح کرده‌اند - چه از علمای اهل سنت، چه از علمای شیعه - در همین دورانهای اخیر شیخ محمد عبدی این کتاب را شرح کرده و از این کتاب تجلیل کرده است. نهج البلاغه متعلق به همه‌ی مسلمین است.

نکته‌ی دوم که مسئله‌ی «همدلی امت اسلامی در زمان ما»ست، نکته‌ی مهمتری است. ما نه فقط بعد از دوران انقلاب، بلکه از سالها پیش از انقلاب برای اینکه دلهای شیعه و سنی به هم نزدیک شود و اهمیت این وحدت برای همه معلوم شود، تلاش می‌کردیم. من در بلوچستان - سالهای قبل از انقلاب هنگامی که آنجا تبعید بودم - به مرحوم مولوی شهداد (از علمای معروف بلوچستان بود که آقایان بلوچ ایشان را می‌شناسند؛ مرد فاضلی بود. آن زمان ایشان در سراوان بود و ما در ایرانشهر بودیم) پیغام فرستادم که ببایید فرستنی است بنشینیم و مبانی یک اتحاد عملی، حقیقی و واقعی قلبی بین اهل سنت و شیعه به وجود آوریم. ایشان هم متقابلاً از این قضیه استقبال کرد؛ منتها بعد به مسائل انقلاب رسید؛ بعد از انقلاب در اولین کنگره‌ی نماز جمعه‌ای که ما تشکیل دادیم، عده‌ای از علمای اهل سنت حضور داشتند؛ از جمله ایشان هم بود؛ بحثهایی شد و در همین زمینه‌ها صحبت کردیم.

اختلاف بین طرفداران دو عقیده بر اثر تعصبات، یک امری است که هست و طبیعی است، و مخصوص شیعه و سنی هم نیست. بین فرق شیعه، خودشان؛ بین فرق سنی، خودشان؛ در طول زمان از این اختلافات وجود داشته است. تاریخ را نگاه کنید، می‌بینید هم بین فرق فقهی و اصولی اهل تسنن - مثل اشاعره و معتزله، مثل حنبله و احناف و شافعیه و اینها - هم بین فرق مختلف شیعه، بین خودشان، اختلافاتی وجود داشته است. این اختلافات وقتی به سطوح پایین - مردم عامی - می‌رسد، به جاهای تند و خطرناکی هم می‌رسد؛ دست به گریبان می‌شوند. علماء می‌نشینند با هم حرف می‌زنند و بحث می‌کنند؛ لیکن وقتی نوبت به کسانی رسید که سلاح علمی ندارند، از سلاح احساسات و مشت و سلاح مادی استفاده می‌کنند که این خطرناک است. در دنیا این همیشه بوده؛ همیشه هم مؤمنین و خیرخواهان سعی می‌کردند که مانع بشوند؛ علماء و زیدگان، تلاششان این بوده است که نگذارند سطوح

غیرعلمی کارشان به درگیری برسد؛ لیکن از یک دوره ای به این طرف، یک عامل دیگری هم وارد ماجرا شد و آن «استعمار» بود. نمی خواهیم بگوییم اختلاف شیعه و سنتی همیشه مربوط به استعمار بوده؛ نه، احساسات خودشان هم دخیل بوده؛ بعضی از جهالتها، بعضی از تعصبهایها، بعضی از احساسات، بعضی از کج فهمیها دخالت داشته؛ لیکن وقتی استعمار وارد شد، از این سلاح حداکثر استفاده را کرد.

لذا شما می بینید برجستگان مبارزه‌ی با استعمار و استکبار، روی مسئله‌ی «وحدت امت اسلامی» تکیه‌ی مضاعف کرده‌اند. شما ببینید سید جمال الدین اسدآبادی (رضوان الله تعالیٰ علیه) معروف به افغانی و شاگرد او شیخ محمد عبده و دیگران و دیگران، و از علمای شیعه مرحوم شرف الدین عاملی و بزرگان دیگری، چه تلاشی کردند برای اینکه در مقابله‌ی با استعمار نگذارند این وسیله‌ی راحت در دست استعمار، به یک حربه‌ی علیه دنیای اسلام تبدیل شود. امام بزرگوار ما از اول بر قضیه‌ی وحدت اسلامی اصرار می‌کرد. استعمار، به این نقطه چشم دوخت و از آن حداکثر استفاده را کرد.

من می خواهم این را بگویم: در این کار، انگلیسیها از بقیه‌ی دشمنان استعماری، متبحرتند؛ در ایران، ترکیه و کشورهای عربی، و در شبه قاره‌ی هند، اینها سالها زندگی کرده‌اند، و با رموز کار آشنا هستند که چگونه می‌شود سنتی را علیه شیعه تحریک کرد و چگونه می‌شود شیعه را علیه سنتی تحریک کرد؛ اینها خوب بلدند. و کرده‌اند. از بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، این حرکت استعماری شدت گرفت؛ ما این را شاهد بودیم، از اول انقلاب نشانه‌هاییش را می‌دیدیم و هشدار می‌دادیم؛ و این روزهای اخیر، یا سالهای اخیر به خاطر اینکه جمهوری اسلامی توانست یک هدف بزرگی را به دست آورد و به یک قله‌ی بزرگی برسد و آن قله عبارت بود از «بیداری دنیای اسلام»، انگیزه و داعی اختلاف افکنان و جبهه‌ی استکبار برای ایجاد اختلاف، شدیدتر و قویتر شد. لذا همه کاری می‌کنند.

امروز در عراق، می خواهند شیعه و سنتی را به جان هم بیندازنند؛ در پاکستان، این کار را می خواهند بکنند؛ در افغانستان این کار را اگر بتوانند، می‌کنند؛ در اینجا اگر بتوانند، می‌کنند. هر جا بتوانند، می‌کنند؛ ما اطلاع پیدا کردیم حتی ایادی آنها به لبنان رفتند برای اینکه بتوانند بین شیعه و سنتی اختلاف بیندازنند؛ مشغول تلاشند.

این عواملی که اختلاف افکنی می‌کنند، نه شیعه‌اند، نه سنتی؛ نه به شیعه علاقه دارند، نه به تسنن؛ نه مقدسات شیعه را قبول دارند، نه مقدسات سنتی را. چند روز پیش از این، بوش - رئیس جمهور امریکا - در سخنرانی اش به منفجر کردن حرم عسکریین (علیهمالسلام) در عراق اشاره کرد؛ که منفجر کردن و اینها را تندروان سلفی کردن و شیعه را تحریک کردن و موفق شدند. این کار جلو چشم خود امریکاییها انجام گرفته! حرم عسکریین را در همان شهری انجام دادند که مسلط بر امور امنیتی آن شهر و نیروهای مسلح در حال تردد در آن شهر، امریکایی بودند؛ جلو چشم امریکاییها! مگر می‌شد بدون اطلاع آنها، بدون اجازه‌ی آنها و بدون تدبیر آنها این کار انجام بگیرد؟ خودشان این کار را کردند.

اسم می‌آورند از تروریستهای عراق به عنوان القاعده و سلفی، در حالی که خودشان تحریک کننده هستند. عناصر بعثی قدیمی در عراق را خود سرویسهای امریکایی و اسرائیلی دارند تحریک می‌کنند برای ایجاد انفجار در هر نقطه‌ای که بتوانند انجام بدھند. نامن ترین شهرهای عراق - یعنی همین منطقه‌ی بغداد و بعضی شهرهای دیگر - همان شهرهایی است که دستگاه امنیتی امریکا، همه‌ی امور آنها را به عهده دارد، والا در بسیاری از مناطق عراق که

امريکا ييه آنجا كمتر حضور دارند و نيروهای عراقي هستند، امنيت بيشتر است؛ نامنی، مال خود اينهاست، اينها انگيزه دارند.

با پيروزى انقلاب در ايران، اينها برنامه هاي جديدي طراحى كردنده برای اينکه اينطور وانمود كنند كه اين انقلاب، انقلاب شيعه است؛ در حالى كه انقلاب اسلامي، انقلاب اسلام است، انقلاب قرآن است، برافراشتن پرچم اسلام است. انقلاب اسلامي افتخارش اين است كه ارزشهاي اسلامي را، توحيد را، احکام الهی را و ارزش معنویت اسلام را، دارد به دنيا معرفی می کند و موفق شد. على رغم همهی دشمنیها ما موفق شدیم. انقلاب اسلامي روح غرور اسلامي را، روح افتخار و تفاخر به اسلام را در مسلمانها زنده کرد. آنها با اين دشمنند، با اين مخالفند؛ والا اگر ما انقلابمان يك انقلاب شيعي بود که از دنيا اسلام جدا می شدیم و ما به دنيا اسلام کاري نداشتیم، آنها هم به ما کاري نداشتند، آنها با انقلاب دشمنی نمی کردند. آنها دیدند اين انقلاب، انقلاب اسلامي است.

جدي ترين دفاع را از فلسطين، انقلاب اسلامي کرد. هيچ کس، هيچ کشوری، هيچ دولتی و هيچ مردمی، از فلسطين و مبارزات فلسطينيهها و انتفاضه ی فلسطين، مثل ملت ایران و دولت ایران و نظام اسلامي دفاع نکردن. کمک معنوی، کمک مادي؛ ما هر چه توانيستیم، کرده ايم. آن وقتی که شورویها آمدند و وارد افغانستان شدند، همهی اين دولتهای مسلمانی که در اين منطقه بودند، با ملاحظات گوناگون سکوت کردند. امام (رضوان الله عليه) صريح پیغام داد به شوروی ها که: باید شما از افغانستان خارج شوید. من خودم در يك مجمع بين المللي بزرگ حضور داشتم - که آنجا غيرمعتهاهدنا و تعداد زیادی از کشورهای اسلامی هم بودند - شاهد بودم که هيچ کدام از آنها اسمی از ورود شوروی به افغانستان نياوردن و فقط من آنجا در نقطه شدیدا حمله کردم؛ چون در آنجا يك عده ای چپها و دولتهای سوسیالیست و طرفدار شوروی بودند، به ملاحظه ی آنها هيچ کدام از کشورهای اسلامي، کلمه ای حرف نزدند؛ فقط ما گفتیم؛ ما آنجا هم به امريكا حمله کردیم، هم به شوروی حمله کردیم؛ بدون تفاوت؛ آنها از اين ناراحتند. چون اين انقلاب، انقلاب اسلامي است؛ نگاه نمی کند که ملت فلسطين شيعه اند یا سنی؛ از آنها دفاع می کند. از حرکت عظیم لبنانیها دفاع می کند، از هر جمع مسلمانی در هر نقطه ی از عالم که برای اسلام حرکت کنند و کار کنند، دفاع می کند؛ آنها از اين ناراحتند. چون انقلاب، اسلامي است ناراحتند. والا اگر ما مرزها را می بستیم و می گفتیم ما به کشورهای سنی کاري نداریم، به گروه های سنی کاري نداریم، با ما هيچ کاري نداشتند؛ نه امريكا، نه اسرائیل، نه انگلیس. آنها عليه جمهوري اسلامي اند، چون جمهوري اسلامي برای اسلام است، برای امت اسلامي است. از وقتی جمهوري اسلامي تشکيل شد، اين مسئله ی ايجاد اختلاف بين شيعه و سنی از سوی استکبار روزبه روز تشديد شد و فعالیت آنها هم تشديد شد.

ما باید بيدار باشیم؛ هم شيعه، هم سنی باید بيدار باشند؛ بخصوص علماء. مردم دور از محیط علمایی، ممکن است چار توهمناتی بشوند، چار اشتباهاتی بشوند؛ اما علماء نمی توانند در اين قضیه بی تفاوت بمانند؛ بگویند خوب، اينها عوامند، ما که نمی کنیم؛ نه، علماء بایستی خود را مسئول بدانند و تلاش کنند. امروز بيداري اسلامي شروع شده، عزت اسلامي آشکار شده، هزیمت دشمن در میدانهای مختلف - که آقایان اسم آوردند - روزبه روز بيشتر آشکار شده است. استکبار در فلسطين شکست خورد، در لبنان شکست خورد، در عراق شکست خورد، در افغانستان شکست خورد؛ و در هيچ کدام از اينها به مقاصد و اهداف خودش نرسيد.

جمهوري اسلامي هم روزبه روز در حال پيشرفت است؛ ما از لحاظ علمي، از لحاظ صنعتي، از لحاظ اجتماعي، از لحاظ



قوت مدیریت در این بیست و هفت سال، روزبه روز جلوتر رفته ایم. مردم با نظام، پیوندان روزبه روز مستحکمتر شده است. این، دشمن را ناراحت و عصبانی می کند و به عکس العمل وادر می کند.

ما امروز باید خیلی مراقب باشیم که دشمن از این نقطه‌ی حساس - در واقع باید گفت از این نقطه‌ی ضعفی که در دنیای اسلام وجود دارد - نتواند استفاده کند.

دوستان ما درست گفتند؛ مسئله‌ی این نیست که شیعه‌یا سنی، عقاید یکدیگر را قبول کنند؛ نه، هر کسی عقیده‌ی خودش را دارد، هر کسی تابع استدلال است و به هر عقیده‌ای رسید، درست است. مسئله‌ی این است که اصحاب عقاید مختلف، بایستی به وسوسه‌ی دشمن گوش نکنند، به جان هم نیفتنند، با هم دشمنی نکنند و نسبت به هم کارشکنی نکنند. دشمنان ما هر کدام هر چه بلدند «یوحی بعضهم الی بعض زخرف القول غرورا» به همدیگر یاد می دهند؛ انگلیسیها به امریکاییها یاد می دهند، اسرائیلیها به آنها یاد می دهند.

ما بایستی مردم خودمان را هشیار و بیدار کنیم و خودمان مراقب باشیم. آن کسانی که بدون فهم، فهم حقیقت، بدون تقوا، جمعیت عظیمی از مسلمانان را از دین خارج می دانند، خارج می کنند، تکفیر می کنند این گروه‌های تکفیری نادان - حقیقتاً مناسب ترین صفت برای اینها نادانی است، اگرچه در آنها خباثت هم هست، اما جهالت مهمترین خصوصیت اینهاست - اینها را بایستی ما تا آنجایی که می توانیم، ارشاد کنیم؛ مردم را از اینها بترسانیم که مردم ما «و لتصغی اليه افئدة الذين لا يؤمنون بالأخرة وليرضوه و ليقتربوا ما هم مقتربون» بعضی‌ها به خاطر ضعف ایمان، به خاطر ضعف معرفت، مجذوب این حرشهای دشمنان می شوند. ما باید مراقبت کنیم. وظیفه‌ی علماء، وظیفه‌ی سنگینی است. امروز وحدت دنیای اسلام، یک هدف اعلاست که اگر این وحدت حاصل شد، آن وقت دنیای اسلام حقیقتاً می تواند به عزت کامل و عمل به احکام اسلامی دست پیدا کند؛ می تواند این کار را هم بکند. هم دولتها باید کمک کنند، هم ملتها باید کمک کنند.

دولتها هم باید نهایت کمک را به همین اتحاد و یگانگی و همدلی بکنند. این امت اسلامی، اگر وزن واقعی خود را پیدا بکند، آن وقت پشتیبان این دولتها خواهد بود و دولتها اسلامی دیگر مجبور نخواهند شد به خاطر ضعف و ترسشان به دامن امریکا یا انگلیس پناه ببرند؛ چون امت اسلامی پشت سر آنهاست.

امیدواریم خداوند متعال همه‌ی ما را کمک کند، هدایت کند، دستگیری کند و بتوانیم ان شاءالله آنچه را که وظیفه‌ی خطیر و حساس ما در این دوران هست، آن را به بهترین وجهی انجام بدھیم.

و السلام عليکم و رحمة الله و برکاته